



تاریخ تحول دولت در اسلام

(رشته علوم سیاسی)

دکتر محمد رضا حاتمی نعمت الله توکل فر دکتر حمید رضا رحیمی النگ

سرشناسه	:	حاتمی، محمدرضا، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدید آور	:	تاریخ تحول دولت در اسلام
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	چهارده، ۱۹۳ ص.
فروست	:	دانشگاه پیام نور؛ ۲۱۴۹. گروه علوم سیاسی؛ ۱/۱۶
شابک	:	978 - 964 - 14 - 0196 - 4
یادداشت	:	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۸۹-۱۹۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
شناسه افزوده	:	توکل فر، نعمت الله، ۱۳۴۶-
سنا	:	رحیمی النگ، حمیدرضا، ۱۳۴۳-
شماره کتابشناسی	:	۳۸۲۱۳۷۱



تاریخ تحول دولت در اسلام

مولفان: دکتر محمدرضا حاتمی - نعمت الله توکل فر - دکتر حمیدرضا رحیمی النگ

ویراستار علمی: دکتر سید محمد موسوی

تهیه و تولید: مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول خرداد ۱۴۰۴

شابک: ۷۸ - ۹۶۴ - ۱۴ - ۰۱۹۶ - ۴

ISBN: 978 - 964 - 14 - 0196 - 4

فروش این کتاب فقط از طریق نمایندگی‌های دانشگاه پیام نور مجاز می باشد و فروش آن در سایر مراکز فروش کتاب موجب تعقیب قانونی فروشنده خواهد گردید

(کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و متعلق به دانشگاه پیام نور است. تولید، کپی یا خلاصه برداری، نشر و ترجمه، چاپ، افست، توزیع گسترده، تهیه CD و ... این اثر یا بخشی از آن اعم از متن، طرح پشت و روی جلد و ... بدون اخذ مجوز کتبی از مرکز چاپ و توزیع دانشگاه خلاف مقررات و تعرض به حقوق مادی و معنوی دانشگاه است. متخلفین وفق قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان دارای مسئولیت حقوقی و کیفری بوده و تحت پیگرد قرار می گیرند.)

قیمت: ۵۲۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
فصل اول: تکوین دولت اسلامی	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ مفهوم دولت	۲
۳-۱ دولت در اسلام	۶
۴-۱ نخستین دولت اسلامی	۱۰
۱-۴-۱ تعیین یشرب	۱۱
۲-۴-۱ مقدمات هجرت	۱۲
۵-۱ دولت - شهر پیامبر (ص)	۱۳
۱-۵-۱ اقدامات اولیه	۱۳
۲-۵-۱ نظام اقتصادی دولت پیامبر (ص)	۱۸
۳-۵-۱ روابط بین‌المللی دولت پیامبر (ص)	۱۹
۶-۱ تحولات دولت پیامبر (ص)	۲۱
۷-۱ مشکلات دولت پیامبر (ص) در سال دهم و یازدهم هجرت	۲۵
جمع‌بندی	۲۶
منابع	۳۰
فصل دوم: انتقال قدرت و تکوین خلافت	۳۳
۱-۲ مقدمه	۳۴
۲-۲ تولد خلافت	۳۵
۳-۲ الگوهای تعیین خلافت	۳۸
۱-۳-۲ الگوی اهل حل و عقد	۳۸
۲-۳-۲ الگوی استخلاف	۳۹
۳-۳-۲ الگوی شورا	۳۹

۴۰ ۴-۲ تحول دولت در عصر خلافت راشدین

۴۰ ۴-۲ ۱-۴-۲ خلافت ابوبکر

۴۶ ۴-۲ ۲-۴-۲ خلافت عمر

۵۲ ۴-۲ ۳-۴-۲ خلافت عثمان

۵۵ ۴-۲ ۴-۴-۲ خلافت امام علی (ع)

۶۳ جمع‌بندی

۶۵ منابع

۶۷ فصل سوم: تحول دولت در عصر بنی‌امیه و بنی‌عباس

۶۷ ۱-۳ مقدمه

۶۹ ۲-۳ بنی‌امیه

۷۱ ۳-۳ ری کارآمدن امویان

۷۱ ۱-۲-۳ زمینه‌های اجتماعی

۷۲ ۲-۳-۳ برخورد با تبعیض نژادی

۷۳ ۳-۳-۱ جنگ‌های داخلی

۷۴ ۴-۳-۱ شکلهای فرهنگی

۷۵ ۴-۳ دولت امر و سیاست

۷۵ ۱-۴-۳ تبدیل دولت به سلطنت

۷۶ ۲-۴-۳ استبداد در دولت اموی

۷۶ ۳-۴-۳ وراثت و خاندان

۷۷ ۴-۴-۳ قریش و خلافت

۷۸ ۵-۴-۳ نقش بیعت در دوره‌ی اموی

۷۹ ۶-۴-۳ عقیده‌ی جبر و حکومت

۷۹ ۷-۴-۳ نظام اداری (دیوان سلاری)

۸۱ ۵-۳ زوال بنی‌امیه

۸۱ ۱-۵-۳ اختلاف بین امویان

۸۳ ۲-۵-۳ اقدامات خلاف شرع

۸۴ ۳-۵-۳ ظلم و بیدادگری امویان نسبت به اهل بیت

۸۵ ۴-۵-۳ شورش‌های متعدد در دوران اموی

۸۵ ۵-۵-۳ برقراری حکومت دیکتاتوری

۸۷ ۶-۳ بنی‌عباس

۸۹ ۷-۳ عملکرد بنی‌عباس

۹۰ ۱-۷-۳ مهمترین حاکمان دوره عباسی

۹۲ جمع‌بندی

۹۴ منابع

۹۷ فصل چهارم: عصر تجزیه و تشکیل دولت‌های محلی و منطقه‌ای

۹۷ ۱-۴ مقدمه

۹۹ ۲-۴ عناصر گریز از مرکز و فروپاشی حکومت مرکزی

۱۰۱	۳-۴ دوره‌ی سلطه‌ی ترکان بر دستگاه خلافت
۱۰۳	۴-۴ قیام‌ها و حکومت‌های متقارن با خلافت عباسی در قرن سوم
۱۰۳	۴-۴ ۱- قیام بابک خرمدین
۱۰۳	۴-۴ ۲- قیام مازیار
۱۰۴	۴-۴ ۳- قیام زنگیان
۱۰۵	۴-۵ تشکیل دولت‌های محلی و حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در شرق خلافت عباسی
۱۰۶	۴-۵ ۱- طاهریان (۲۵۹-۲۰۶ ه‍.ق)
۱۰۶	۴-۵ ۲- صفاریان (۳۹۳-۲۴۷ ه‍.ق)
۱۰۸	۴-۵ ۳- علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵۰ ه‍.ق)
۱۰۸	۴-۵ ۴- سامانیان (۳۸۹-۲۶۱ ه‍.ق)
۱۰۹	۴-۵ ۵- ریاریان (۴۳۳-۳۱۶ ه‍.ق)
۱۱۰	۴-۵ ۶- آل بویه (۴۴۷-۳۲۰ ه‍.ق)
۱۱۱	۴-۵ ۷- غزنویان (۵۰۶-۶۱ ه‍.ق)
۱۱۲	۴-۵ ۸- سلجوقیان (۶۹۱-۴۲۹ ه‍.ق)
۱۱۳	۴-۶ تشکیل حکومت‌های محلی متقارن در غرب خلافت عباسی
۱۱۴	۴-۶ ۱- امویان اندلس (۴۱۲-۱۲۱ ه‍.ق)
۱۱۵	۴-۶ ۲- فاطمیان (۵۶۷-۱۹۷ ه‍.ق)
۱۱۷	۴-۷ سقوط خلافت عباسی
۱۲۰	جمع‌بندی
۱۲۳	منابع

۱۲۵	فصل پنجم: تحول دولت در عصر امپراطوری عثمانی
۱۲۵	۵-۱ مقدمه
۱۲۶	۵-۲ تبار ترک‌های عثمانی
۱۲۸	۵-۳ ویژگیهای دینی، نظامی و سیاسی ترکهای عثمانی
۱۳۰	۵-۴ فرهنگ ترکهای عثمانی
۱۳۱	۵-۵ ساختار حکومت عثمانی
۱۳۲	۵-۵ ۱- سلطان
۱۳۳	۵-۵ ۲- وزارت و وزیر اعظم
۱۳۵	۵-۵ ۳- دیوان
۱۳۶	۵-۶ دوره‌ی انحطاط در دولت عثمانی
۱۳۷	۵-۶ ۱- اصلاحات در عثمانی
۱۳۸	۵-۶ ۲- تنظیمات عثمانی
۱۴۱	۵-۷ انحلال دولت عثمانی
۱۴۳	جمع‌بندی
۱۴۶	منابع
۱۴۹	فصل ششم: تحول دولت در کشورهای استقلال یافته اسلامی
۱۵۰	۶-۱ مقدمه
۱۵۲	۶-۲ تحول دولت در کشورهای استقلال یافته اسلامی خاورمیانه

۱۵۶	۳-۶ تحول دولت در کشورهای استقلال یافته اسلامی شمال آفریقا
۱۶۱	۴-۶ تحول دولت در کشورهای استقلال یافته اسلامی آسیای میانه و قفقاز
۱۶۳	جمع‌بندی
۱۶۶	منابع

۱۶۹	فصل هفتم: بازتاب و تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی - اجتماعی کشورهای اسلامی
۱۶۹	۱-۷ مقدمه
۱۷۲	۲-۷ تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای خاورمیانه
۱۷۶	۳-۷ تأثیر انقلاب اسلامی بر آسیای مرکزی و قفقاز
۱۷۸	۴-۷ تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای شمال آفریقا
۱۸۲	۵-۷ بازتاب انقلاب اسلامی اسلامی در سطح بین‌المللی
۱۸۳	جمع‌بندی
۱۸۶	منابع
۱۸۹	منابع کتاب

پیشگفتار

تحولات فکری و سیاسی جهان اسلام نشان می‌دهد که باید به دلایلی چند، درخصوص تحول نظام سیاسی و دولت در اسلام اندیشه کرد. به لحاظ عملی مشکل بتوان زندگی را بدون دولت تصور نمود. دولت در جوامع اسلامی، همانند دیگر جوامع بشری، نه تنها بیانگر وجود مجموعه‌ای از نهادهاست، بلکه یکی از وجود نگرش‌ها و شیوه‌های خاصی از اعمال و رفتار است که منحصرأ مذکبات اسلامی خوانده شده، در واقع جزئی از تمدن اسلامی محسوب می‌شوند. می‌توان گفت که سیاست و دولت به گونه‌ای ظریف در قسمت عمده‌ی زندگی ما نفوذ و رخنه پیدا می‌کند. زندگی انسانها در درون نظام سیاسی و دولت آغاز می‌شود و پایان می‌پذیرد. بدینسان، دولت در جوامع اسلامی، هرچند مفهومی پیچیده است، واقعیت روزمره‌ای است که نمی‌توان نادیده گرفت.

اغلب نوشته‌های مربوط به تحول دولت در اسلام موجب نوعی آشفتگی ذهنی، سطحی‌نگری و نگاه ساده‌انگارانه شده است. علت این مسئله به دو عامل اساسی بر می‌گردد: نخست عدم آگاهی و شناخت آکادمیک و روشمند دین‌شناسان تا بتوانند از دل آموزه‌های اسلامی راه‌هایی را به سوی دنیای نوین بگشایند و ساختار سیاست و حکومت اسلامی را بر مبنای نیازهای علمی روز، به نحو دقیق و نظری بکاوند. چنانچه اندیشه‌ی نوین سیاسی غرب تا حد زیادی از دل الهیات مسیحی درآمد و دوم، حاکمیت نگاه صرف شرق‌شناسانه، بحث شرق‌شناسی، سابقه طولانی در مطالعات اندیشه‌ی اسلامی دارد. بسیاری از متفکران درباره پیشینه‌ی روش شرق‌شناسی معتقدند که نقطه‌ی

آغاز این گونه مطالعات در طول جنگ‌های صلیبی آغاز شد، آنجا که پس از چند دهه نبرد و منازعه، غریبان به این نتیجه رسیدند که به جای مبارزه با سلاح عیان علیه اسلام بایستی با منطق کلام علیه دین جدید مبارزه کنند. این تحول به تعبیر برخی نویسندگان بعد از حمله اسکندر و مغول، سومین چالش فکری علیه فرهنگ شرقی بود؛ نه با سلاح عیان بلکه با سلاح علم و دانش وارد مبارزه شد و توانست تأثیرات عجیبی بر حوزه‌ی مطالعات اندیشه‌ی اسلامی بگذارد. روش شرق‌شناسی از سویی، هیچ‌گاه در فضای تمدن مشرق زمین به مطالعه‌ی شرق نپرداخته است، بلکه همواره در فضای فکری مغرب زمین به شرق توجه کرده است.

مشرق‌شناسی تاریخی و کلی‌نگر، فلسفه سیاسی مسلمان‌ها را نه به‌عنوان جزئی از دانش سیاسی منبعت از فرهنگ اسلامی، بلکه ادامه‌ی تعریف شده و آشفته از فلسفه سیاسی یونانی می‌داند. از آن روی که این پرسش‌ها، پرسش‌هایی از درون سنت اسلامی نیستند، پاسخ‌های «پیدا نمی‌کند» و «لاجرم پژوهشگر به طرح «نظریه‌ای از انحطاط» رهنمون می‌شود». فرایند آن نه در واقعیت تاریخ و اندیشه‌ی سیاسی که خود، نه اوجی دارد و نه انحطاط بلکه در ذهن تجدد سلوکی نویسنده مستشرق قرار دارد.^۱ الگوی استشرق، تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی را تاریخی معکوس و فقهرایی می‌نماید. اما وفق طرح این پدیدارشناسان، نه از خود پدیدار - دانش سیاسی اسلام - که از فلسفه زاده شده است. شرق‌شناسان، چه بسا اسلامی را کشف کرده‌اند که اختراع غیریت آفرین غرب است. آنان از چنان «سنت سیاسی» در اسلام سخن می‌گویند که خود زاده «تجدد اروپایی» است؛ اولی را کهنه و دومی را نه می‌بیند و با التزام به فکر جدید، «سنت» را به موزه می‌سپارند. به‌طور کلی، دانش سیاسی اسلام را به‌عنوان نقشی در آئینه‌ی «تجدد اروپایی» می‌نگرد.^۲

بدین‌سان هدف اصلی این پژوهش، شرح و بسط تحول و اکتاف در تاریخ اسلام بر مبنای یک چارچوب مشخص و منسجم است. بحث دولت در حوزه‌ی تمدن اسلامی از زوایای مختلفی مورد تأمل قرار گرفته است که براساس آن دانش‌های مختلفی چون فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، فقه سیاسی، کلام سیاسی و اخلاق سیاسی شکل گرفته‌اند.

۱. فیرحی، داوود (۱۳۸۳). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نشر نی، ۲۲-۲۳.

۲. فیرحی، پیشین، ص ۳۴-۲۳.

فلسفه سیاسی اغلب به شیوه‌ای انتزاعی، با غایات حکومت و ابزارهای مناسب دستیابی به آنها و نهایتاً با بهترین شکل حکومت سروکار دارد. موضوعات اساسی فلسفه‌ی سیاسی را مسائلی چون چگونگی احراز حقیقت، عدالت، مبانی خیر و صلاح عمومی، لوازم آزادی و برابری، استوار کردن زندگی سیاسی بر اصول اخلاقی، دلیل و ضرورت وجود حکومت، دلایل اطاعت اتباع از قدرت و جز آن را تشکیل می‌دهد.

در تاریخ اندیشه‌ی سیاسی اسلام و ایران، به دلیل وجود یک کلیت دربرگیرنده و عام که بر تمامی ابعاد اجتماع و زندگی اجتماعی و فردی حاکم است؛ یعنی اسلام به مثابه یک دین، تکرر سیاسی، صبغه‌ی مذهبی داشته است. هدف از این تفکر پیدا کردن راه‌حلی‌هایی در جهت "دولت کارآمدی، تنظیم، عملکرد و اداره‌ی بهتر مدینه بوده است.

پرسش از چیستی و اساس انسان، جامعه، عدالت، برابری، آزادی، حکومت مطلوب، شکل حکومت در عصر غیبت، قانون، حاکمیت، مشروعیت، اقتدار و قدرت، مصلحت عمومی از جمله پرسش‌های اندیشه‌ی سیاسی است که علمای شیعی با تکیه بر پاسخ‌دهی آن، فکر و اندیشه سیاسی اسلام را ریزی کرده‌اند.^۱

اهمیت پژوهش

تحقیق و پژوهش پیرامون تاریخ تحول دولت اسلامی، از جهات گوناگون حائز اهمیت است. از یک سو بخشی از تاریخ اندیشه‌ی سیاسی اسلام به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، اندیشه‌ی فکری عالمان اسلامی و دیدگاه آنان در مسئله‌ی مهم دولت را که از این تجربیات تاریخی شکل گرفته است، نشان می‌دهد. وجه دیگر اهمیت تحقیق حاضر، به بحران موجود در وضعیت فکر و اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر برمی‌گردد. با توجه به خلا و کمبود متون اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ضرورت شناخت اندیشه‌ی سیاسی در حوزه‌ی اسلام و نحوه‌ی تفکر اندیشمندان مسلمان و نیز اصولی که در زمینه‌ی سیاست اسلامی بکار می‌برده اند، ضروری‌ترین نکته برای انتخاب موضوع است. بررسی و تحلیل مفاهیم و موضوعات اساسی در اندیشه‌ی سیاسی اسلام

می‌تواند از لحاظ نظری خلاء موجود در زمینه‌ی موضوعات سیاسی اسلامی را پر کند و نیز زمینه‌ای برای ایجاد راه حل، برای پاره‌ای از مشکلات اجتماعی را پر می‌کند. تحقق تمدن اسلامی، مستلزم تلاش فکری جهت ارائه‌ی مبانی معرفت‌شناختی و تاسیس علوم اسلامی است که ریشه‌های فلسفی و منطقی بومی داشته باشد.

ضرورت شناخت، درک و فهم نظرات سیاسی دولت‌های اسلامی، اهمیت مطالعه‌ی چگونگی درک اندیشمندان اسلامی، نسبت به دولت، در قالب گفت‌وگوهای حاکم، ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر تحولات گفت‌وگوهای سیاسی دولت‌های اسلامی، شناخت تداوم‌ها و عدم تداوم‌های اندیشه اسلام در قالب گفت‌وگوهای موجود و بالاخره بررسی رابطه‌ی حاملان قدرت -حکام- و دانش اسلامی، جملگی دست به دست هم می‌دهند تا به این مهم اهتمام ویژه‌ای مبذول گردد.

مفاهیم پژوهش

برای تبیین گزارش: تاریخ تحول دولت در اسلام لازم است که مفهوم «تحول» و «دولت» توضیح داده شود. تحول در ساده‌ترین تعریف، به معنای میزان دوری و نزدیکی یک مصداق از مفاهیم است. این بحث بیش‌تر به رابطه‌ی میان مفهوم و مصداق می‌پردازد. تحول در واقع رابطه‌ی مصداق است با مفهوم. میزان عینیت‌یافتگی مفهوم، در بستر زمان و مکان است. تحول، نسبت میان عناصر ثابت و متغیر در جریان یک فرآیند است. در این پژوهش، تحول به معنای میزان اتفاق و اشتراک دولت‌های موجود در تاریخ اسلام، با ارکان ثابت و عناصر مقوم دولت، به لحاظ نظری است. به عبارت دیگر مطالعه‌ی تحول دولت در اسلام به این معنا، ناظر به آن است که هستی مفهومی به نام دولت، چطور در تاریخ اسلام تاریخمند شده و در گذر زمان و مکان عینیت یافته است.

مفهوم تحول دولت در بادی امر، مبین این نیست که دولت پدیده‌ای است ایستا، بلکه برعکس مبین آن است که دولت همواره در حرکت، جنبش، انطباق با شرایط جدید، ادغام و... است. در واقع دولت بخشی از یک داستان همیشه ناتمام است که همواره در حال شدن است اما هرگز کامل نمی‌شود. از این رو، تحول دولت دو جنبه دارد: نخست آن که در قبال تغییرات و ضروریات محیط پیرامون، دولت ناگزیر به تغییر

و تحول می‌شود و همین موجب می‌گردد تا دیدگاه جدیدی درباره‌ی مسیر این تغییر و تحول به ما ارائه کند. دوم، این تغییرات و تطبیقات، بینش جدیدی درباره‌ی این که ما قبلاً چگونه به دولت می‌نگریسته‌ایم، به ما ارائه می‌کند. لذا هر اندازه مدارک بیش‌تری درباره‌ی دولت در اختیار داشته باشیم، امکان تحول دولت بیش‌تر می‌شود. بنابراین، به محض این که دولت و صحنه‌ی قدرت آن دستخوش تغییر می‌شود، نظریه‌ی دولت نیز نیازمند تحول و تغییر می‌شود و برعکس هرچه بینش نظری ما تغییر یابد تحول دولت نیز تسریع می‌شود.

لیبرالسم ظهور دولت را در مفهوم فونکسیونالیسم بررسی می‌کند. به این معنا که که دولت، ارکان اجرایی تحقق اهداف مشترک است. در مارکسیسم نیز دولت را ارگان اجرایی طبقه حاکمه می‌دانند.

خصلت نهادی بودن دولت، بلافاصله هر ناظر نقاد و جستجوگر را با انبوهی از پرسش‌های بنیادی که با حیات و هویت او پیوند دارد مواجه می‌کند: چرا باید دولت را اطاعت کرد؟ اصولاً خاستگاه و ضرورت دولت چیست؟ قدرت دولت را چه کسانی و به چه دلیل در دست دارند؟ مرزهای قدرت دولت کجاست؟ چگونه می‌توان قدرت دولت را مهار و نظارت کرد؟ دولت با چه سازوکارهایی اعمال قدرت می‌کند؟ و سرانجام غایت قدرت و هدف دولت چیست؟ قدرت چگونه توزیع می‌شود و چگونه جابه‌جا می‌گردد؟ این پرسش‌ها البته برانگیزنده هستند و ذهن هر انسانی را که به موضوعی چون دولت توجه دارد، به شدت به چالش می‌کشاند و تفکر او را می‌دارند. نظریه‌های سیاسی، محصولات نظام وار ذهن بشر هستند که با جستجو و تسنن دلالی، برای مشروعیت قدرت دولت، توجیهی از حاکمیت و اطاعت شهروندان را ارائه می‌دهند.

در پایان یادآور می‌شویم، سخن این کتاب درباره‌ی تحول دولت در اسلام است که دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. ارائه‌ی تصویر کلی، از تاریخ تحول دولت در اسلام، با علم به این حقیقت که

گذشته، حال و آینده را شکل می‌دهد؛

۲. عبرت آموزی از تاریخ، تنها از طریق غور در گذشته میسر می‌باشد و به همین

دلیل است که گذشته چراغ راه آینده است؛

۳. پی‌بردن به هویت مسلمانی، منحصر است در شناخت شخصیت اسلامی که

محصول انباشت تک تک دولت‌ها و ملت‌های مسلمان قبلی می‌باشد؛

فهم دقیق‌تر اندیشه‌ی سیاسی گذشتگان، منوط است به فهم و درک شرایط

سیاسی و اجتماعی دورانی که سپری شده است.

www.ketab.ir